



رمان «پیراهنی بر آب» از دغدغه‌های من درباره بی آبی و خشکسالی شکل گرفت

## این بار جنگ، بر سر آب است

رمان فانتزی «پیراهنی بر آب» در روزگاری که خشکی به هستی مردم زده و آنها در آرزوی آب هستند، روایت می‌شود.

فهمیده زندیه

چاردیواری

روایت بخشی از زندگی «پری» که همراه مادرش زندگی می‌کند و ناخواسته وارد ماجراهایی عجیب و دنیایی می‌شود که برایش غریب است. پری با آدم‌های تازه آشنا و مجبور می‌شود خان‌های مختلفی را پشت سر بگذارد و به سمت سرنوشت نامعلومش برود. معمولاً آنچه از رمان فانتزی در ذهن داریم، رمان‌های خارجی است با قصه‌ها و رویدادهایی که اغلب غریبی محسوب می‌شوند، پیراهنی بر آب اما مملو از باورها، آداب، قصه‌ها

و شخصیت‌هایی برگرفته از فضای ایرانی است. گرچه مخاطب با رمانی به سبک امروزی مواجه است اما با پیشرفت داستان به گذشته‌های دور خود پیوند می‌خورد.

خواننده در این رمان بارها با صحنه‌های خارق‌العاده غافلگیر می‌شود و هرچه به انتهای رمان نزدیک‌تر شود، شگفتی داستان هم بیشتر خواهد شد. پیراهنی بر آب مخاطب را با شهری زیرزمینی و موجودات خیالی و باستانی ایرانی چون هوبره آتشین بال، موسیقار، درخت تیغال و ... روبه‌رو می‌کند و با خود به درون تخیل ناب ایرانی می‌برد. در این شماره با لیلیا باقری، نویسنده رمان فانتزی پیراهنی بر آب گفت‌وگویی داشتیم که می‌خوانید:

شویم و بیابان‌زایی کنیم. حقایق زمین یعنی سهم خاک از آب را نه در کشاورزی که در شهرسازی هم رعایت نمی‌کنیم و بیشتر از ظرفیت آبی شهرها خانه می‌سازیم و در کنار همه اینها ساخت کارخانه‌هایی با مصرف بالای آب در شهرهای کم‌آب‌تر و ... همه اینها به هم متصل است و نتیجه‌اش می‌شود این که می‌بینیم.

بحران! زندگی با خشکسالی را کسانی که در مرکز هستند، هنوز درک نکرده‌اند، این را آن سیستم و بلوچستانی می‌فهمد که قایقش به زمین بایر و خشک نشسته است؛ انگار نه انگار روزی روی آب شناور بوده است. یادی از خشکسالی جنوب کردم، این را هم به لیست مذکور اضافه کنم: نیامدن حقایق ما از رودهایی که از کشورهای همسایه سرچشمه می‌گیرند، خشک شدن تالاب‌ها و

عمیق است و البته شرح‌شان از متخصصان این حوزه برمی‌آید. من به عنوان یک شهروند دغدغه‌مند تا حدی می‌دانم از آلاینده‌های بزرگی چون کارخانه‌ها تا بنزین بی‌کیفیت و مصرف بی‌رویه انرژی از سمت مردم و ... باعث گرمایش زمین و تغییر اقلیم می‌شود. از طرفی بارش‌های کم و سدسازی بی‌رویه آب را در اقلیم گرم و خشک ایران کاسه می‌کند و می‌گذارد جلوی خورشید تا تبخیر شود. جنگل‌ها تبدیل به زمین کشاورزی می‌شوند و دیگر برگ و ریشه کافی وجود ندارد تا بارش‌ها را به زیر زمین هدایت کند. کشاورزی سنتی ما هدررفت آب فراوان دارد، حفر چاه و کشیدن آب بیش از حد از دل قنات باعث شده است بیشتر از توان زمین از آن آب بکشیم و سفره‌های آب زیرزمینی یکی یکی خشک شود، دچار فرونشست زمین

البته این که موضوع اولین رمان خشکسالی است و فضایی آخرالزمانی دارد و از فرهنگ بومی، از جمله آداب و رسوم درباره آب استفاده کرده‌ام، نمی‌تواند چیزی جز دغدغه همیشگی من درباره معضلات محیط‌زیستی، به ویژه مسأله آب باشد. رمان بعدی من هم در زمینه خشکسالی و فانتزی است اما با فضایی کاملاً متفاوت که تکرار فضای پیراهنی بر آب نباشد و خیال‌م در سرزمینی دیگر چرخیده است.

■ به نظر شما کم‌آبی و بی‌آبی چه تأثیری بر نحوه زندگی و محیط زیست اطراف ما دارد؟

اجازه بدهید مسأله را فقط محدود به بی‌آبی نکنیم. مسائل محیط‌زیست یک زنجیره به هم پیوسته است که هر جایی اتفاقی رخ دهد، تأثیرش را در بخش دیگر می‌گذارد. بی‌آبی محصول چند معضل

■ از چه زمانی شروع به نوشتن کردید؟ و ایده رمان پیراهنی بر آب از کجا آمد؟

سال ۸۶ خبرنگاری را شروع کردم، یک سال بعد هم کم‌کم برای نوشتن داستان کوتاه دست به قلم شدم. مجموعه داستانی هم نوشتم اما به نظرم برای چاپ کتاب زود بود، به همین دلیل منتشر نکردم. بعد فرصتی برای نوشتن رمان پیراهنی بر آب پیش آمد. البته ایده رمان با گشت‌وگذار در بافت قدیمی تهران و شهری و شهر زیرزمینی نوش‌آباد و همزمان با مطالعاتی در حوزه تهران‌شناسی و فرهنگ بومی و فتوت‌نامه‌ها و ... شکل گرفت. این‌طور نبود بخواهم رمانی فانتزی درباره آب بنویسم و بعد دنبال منابع مربوط برای پژوهش بگردم. علاقه به چنین فضاهایی کم‌کم داستان را در خیال‌م شکل داد که در دسته فانتزی جا می‌گرفت.

